

در این مقاله نظام حل و فصل دعوی سازمان کنفرانس اسلامی از راه دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی که قرار است برپا شود تشریح می‌شود. اساسنامهٔ دیوان که در ۱۹۸۷ پذیرفته شد، شریعت اسلامی یا حقوق اسلام را بعنوان حقوق بنیادینی که باید در حل و فصل اختلافات بین‌المللی به کار گرفته شود، در نظر می‌گیرد. پس دیوان ویژگی اسلامی خواهد داشت که قوانین مذهبی داخلی را به عنوان قانون پایهٔ قابل اجرا مورد نظر قرار خواهد داد. دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی هنوز تشکیل نشده است؛ ولی تأسیس آن کشورهای اسلامی را زیر نظام قضایی بین‌المللی یکسان درمی‌آورد و می‌تواند اثر زیادی بر روابط آنها با اسرائیل و مسئلهٔ فلسطین داشته باشد.

## دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی: گامی به سوی یک نظام حقوقی بین‌المللی اسلامی؟<sup>۱</sup>

نویسنده: مایکل لومباردینی (استاد دانشگاه ریموس، روزنام - هلند)

مترجم: دکتر محمود جلالی  
عضو هیأت علمی و مدیر گروه حقوق دانشگاه اصفهان

### ۱. پیشگفتار

بین‌المللی به چه معنی است؟ از آنجا که تنها کشورهای اسلامی می‌توانند زیرپوشش این دیوان قرار گیرند، طرح تعارض صلاحیتی از سوی یک کشور غیر اسلامی که طرف همان دعواست چگونه خواهد بود؟ سرانجام، رفتار حقوقی دیوان ممکن است بر مسئلهٔ فلسطین و ارتباط با دولت اسرائیل اثر سیاسی بسیار ژرفی داشته باشد. کاربرد قوانین مشابه شاید بر همبستگی کشورهای اسلامی اثر گذارد و عوارضی بالقوه برای تعادل دیپلماتیک و سیاسی در منطقهٔ عرب نشین در پی داشته باشد. اسرائیل در برابر گروهی از کشورهای مسلمان که شاید برای نخستین بار یک نظام قضایی بین‌المللی مشترک بر آنها حکومت خواهد کرد چه واکنشی نشان خواهد داد؟

در بررسی «دیوان»، باید همهٔ این مفاهیم را در نظر گرفت. با این حال، تنها بخشی از آنها را به تفصیل شرح می‌دهیم. چنان که گفتیم، دادگاه اسلامی هنوز برپا نشده و چون رویهٔ قضایی آن مرجع در دسترس نیست، شرح این دادگاه و جنبه‌های مربوط به آن تنها می‌تواند برپایهٔ تجزیه و تحلیل اساسنامهٔ آن و در چارچوب بافت تاریخی و سیاسی سازمان صورت گیرد.

### ۲. برپایی و چارچوب ساختاری سازمان کنفرانس اسلامی

در پی به آتش کشیده شدن مسجد الاقصی از سوی شهروندان اسرائیلی در اورشلیم در ۲۱ اوت

سازمان کنفرانس اسلامی (از این پس «سازمان») نهادی بین‌الدولی است که بیشتر کشورهای اسلامی را دربرمی‌گیرد. در سالهای دههٔ هشتاد این سازمان ایجاد دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی (از این پس دادگاه اسلامی یا «دیوان») را بعنوان ارگان قضایی خود برای حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات میان کشورهای عضو پیشنهاد کرد. هر چند این دادگاه اسلامی هنوز برپا نشده است، اما اساسنامهٔ آن موضوعی جالب برای بحث و پژوهش است؛ بویژه که دیوان مذکور شریعت یا حقوق اسلامی را بعنوان قانون اصلی برای اجرا در نظر می‌گیرد. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی شریعت اسلامی را ابزاری سودمند برای گسترش و تقویت چارچوب حقوق بین‌الملل در این زمینه و برای حل و فصل اختلافات به‌شمار می‌آورند. آنها، خواه به گونهٔ واقعی یا نمادین، ضرورت ایجاد یک نهاد قضایی را که قادر به حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات بر اساس شریعت اسلامی باشد احساس کرده‌اند. اگر سرانجام دادگاه اسلامی برپا شود، مجموعه‌ای از قوانین مذهبی محلی را بعنوان قانون قابل اجرا برای حل منازعات بین‌المللی در نظر خواهد گرفت.

برپایی احتمالی دیوان اسلامی، پرسشهای گوناگونی برمی‌انگیزد. برای نمونه، تشکیل این «دیوان» در میان شمار روبه افزایش دادگاههای

۱۹۶۹، نخستین کنفرانس سران کشورهای اسلامی از ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ با شرکت شاهان و سران دولتهای اسلامی در رباط (مراکش) برگزار شد. سران کشورهای اسلامی با ملزم کردن خود به ترویج همکاری نزدیک و کمک متقابل در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و معنوی، هم‌پیمان شدند که هر چه زودتر با مسئله فلسطین برخورد کنند و در برابر آن واکنش نشان دهند. ملک فیصل، شاه عربستان، نخستین کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی (۲۳ تا ۲۵ مارس ۱۹۷۰) را در جدّه افتتاح کرد. حاصل کنفرانس این بود که سرانجام سازمان کنفرانس اسلامی و دبیرخانه دائم آن در جدّه برپا شد تا بر نامه‌های اقتصادی و سیاسی را با اندیشه همبستگی اسلامی پیوند دهد. احساسات مذهبی نخستینی که به تشکیل سازمان انجامید، در ارگانه‌های با صلاحیت و پایدار، شکلی نهادینه به خود گرفت. سازمان تازه تأسیس، نخستین نهاد همکاری بین دولتهای اسلامی بود که به گونه رسمی و سراسری به وجود آمد تا کشورهای اسلامی بی در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، عقاید مشترک خود را در آن بیان کنند. در حال حاضر سازمان کنفرانس اسلامی بزرگترین نهاد بین‌المللی اسلامی است که کشورهای نامتجانسی را با پیشینه‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی گوناگون دربرمی‌گیرد. این سازمان از ۵۶ کشور عضو تشکیل یافته که بیشتر در آسیا و آفریقا واقع شده‌اند. وسعت نواحی جغرافیایی زیر پوشش این سازمان، اهمیت استراتژیک آن را از نظر قلمرو بین‌المللی دریایی و هوایی افزایش می‌دهد.

دلایلی تاریخی که به ایجاد سازمان انجامید، آشکارا نقش مهم اسلام را نشان می‌دهد. کشورهای عضو، اسلام را بعنوان منبع معتبری برای هویت، یکپارچگی و وحدت خود برگزیدند. ولی با وجود نقش اساسی اسلام، نباید چنین پنداشت که سازمان در چارچوب مفهوم «امت»، که از نظر لفظی به معنای اجتماعی از معتقدان است و ناظر به وحدت سیاسی نیست، عمل می‌کند. سازمان یک سازمان بین‌المللی متشکل از دولتهای حاکم است و بنابراین در چارچوب ساختار حقوق

بین‌الملل مشترکی کار می‌کند که دولتهای عضو، اصلی‌ترین موضوع آن حقوق هستند. با وجود این، سازمان یاره‌ای ویژگیها دارد که از آن بدیده‌ای تو می‌سازد. نخستین ویژگی این است که سازمان شاید تنها نهاد بین‌الدول باشد که بر پایه‌هایی مذهبی نهاده شده که جزء جدانشدنی آن بوده و فراتر از تعهدات منطقه‌ای و ایندولوژیهای ملی است. دومین ویژگی، آن است که سازمان کنفرانس اسلامی سازمانی است یگانه، بدین معنی که نه نهادی جهانی است، نه منطقه‌ای و در اصل بر پایه ارتباطات ایندولوژیک با ماهیت مذهبی استوار شده است. از این دیدگاه، سازمان نوعی ماهیت فراگیر دارد و هر کشوری که در آن مذهب اکثریت مردم اسلام است می‌تواند عضو سازمان شود. سومین ویژگی، این است که این سازمان دیدگاهی یکسره سیاسی دارد و بنابراین تنشهای عمده زمان جنگ سرد را نشان می‌دهد. نمونه این مورد، بند ۵ ماده ۶ منشور آن است که بر پایه آن مرکز سازمان تا آزادی اورشلیم باید در جدّه باشد.

منشور سازمان در سومین نشست وزیران امور خارجه در سال ۱۹۷۲ در جدّه تنظیم شد و در ۲۸ فوریه ۱۹۷۳ به اجرا درآمد. اهداف سازمان در بند الف از ماده ۲ منشور آن آمده است. هدف اصلی، رسیدن به یکپارچگی اسلامی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. از میان بردن تبعیض نژادی و استعمار و حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی نیز در شمار دیگر هدفهای سازمان است. بخش پنجم بند الف از ماده ۲ شامل تعهدات کشورهای عضو برای پاسداری از اماکن مقدس و آزادی سرزمینهای فلسطین است. اصول سازمان در بخشهای گوناگون بند ب از ماده ۲ اساسنامه آن آمده است. ماهیت حقوقی آنها ناظر به اصول کلی حقوق بین‌الملل عرفی موجود است که حقوق بین‌الملل اسلامی امروز را شکل می‌دهد.

چنان که از نام سازمان پیداست، منشور آن کنفرانسهایی در سطوح گوناگون را پیشنهاد می‌کند که نمایانگر نهادهای اصلی سیاست‌گذاری هستند. سازمان از سه نهاد اصلی تشکیل می‌شود: کنفرانس سران و رهبران با نام کنفرانس عالی سران که بالاترین قدرت سازمان است. این کنفرانس

○ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی شریعت اسلامی را ابزاری سودمند برای گسترش و تقویت چارچوب حقوق بین‌الملل در این زمینه و برای حل و فصل اختلافات به شمار می‌آورند. آنها، خواه به گونه واقعی یا نمادین، ضرورت ایجاد یک نهاد قضایی را که قادر به حل و فصل صلح آمیز اختلافات بر اساس شریعت اسلامی باشد احساس کرده‌اند. اگر سرانجام دادگاه اسلامی برپا شود، مجموعه‌ای از قوانین مذهبی محلی را بعنوان قانون قابل اجرا برای حل منازعات بین‌المللی در نظر خواهد گرفت.

کرد.

سند مذکور نشان دهنده همخوانی موضع سازمان کنفرانس اسلامی با سازمان ملل بوده و بحث روابط این دو سازمان را مطرح می کند. سازمان ملل متحد در زمینه همکاری با سازمان کنفرانس اسلامی دو سند مهم تصویب کرده است: گزارش مجمع عمومی سازمان ملل درباره همکاری بین سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی مصوب ۲ سپتامبر ۱۹۹۹ و قطعنامه همکاری سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در ۵ نوامبر ۱۹۹۹ به تصویب رسید. هر دو سند بر اهمیت همکاریهای متقابل و دوجانبه سازمان ملل و کنفرانس اسلامی در زمینه‌های گوناگون مانند صلح بین المللی، حق تعیین سرنوشت، تبعیض نژادی، حقوق بنیادین بشر و توسعه اقتصادی و تکنولوژیک تأکید دارد. تأکید ویژه‌ای نیز بر تلاشهای مربوط به حفظ صلح بعنوان بُعد تازه همکاری دو سازمان شده است. بیست و هفتمین نشست کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی که از ۲۷ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰ در کوالالامپور مالزی برگزار شد، قطعنامه شماره ۱/۲۷.ORG در زمینه همکاری سازمان با سازمان ملل را تصویب کرد. این قطعنامه خواستار تحکیم مکانیزم همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل و آژانسهای تخصصی آن در زمینه برخی از مشکلات جهانی همچون صلح و امنیت بین المللی، دیپلماسی بازدارنده، خلع سلاح، حق تعیین سرنوشت، استعمارزدایی، تبعیض نژادی، حقوق بنیادین بشر، گسترش همکاریهای اجتماعی-اقتصادی و همکاری فنی است. سرانجام نهمین نشست سران کشورهای اسلامی با حضور نماینده سازمان ملل بعنوان ناظر که در نوامبر ۲۰۰۰ در دوحه قطر برگزار شد، قطعنامه شماره ۲۶/۹-P را در زمینه اصلاح ساختار سازمان ملل و توسعه و اصلاح شورای امنیت به تصویب رساند. چندی پیش نیز کشورهای اسلامی درخواست یک کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل کردند. این قطعنامه همچنین خواستار روند دموکراتیک سازی در شورای امنیت برای بازتاب یافتن وضع سیاسی

اصلی ترین مرجع است که در آن رهبران اسلامی برای دستیابی به اهداف سازمان به گونه دوره‌ای سیاستها و استراتژی‌های اسلامی را تصویب می کنند؛ کنفرانس وزیران امور خارجه<sup>۴</sup> (ICFM) دومین نهاد سیاست گذاری سازمان است که مسئولیت آن اجرای سیاستهای کنفرانس، گزینش دبیر کل و پذیرفتن توصیه‌ها و قطعنامه‌ها با دو سوم آرا است. سومین رکن ساختاری سازمان دبیرخانه کل است. مقر سازمان در شهر جدّه است و رهبری آن با دبیر کل است که با ایجاد ارتباط منظم بین اعضاء و به دست دادن اطلاعاتی که برای این کشورها دارای اهمیت است با سازمان همکاری همه جانبه دارد.

## ۲.۱ پیوند سازمان با برخی از مسائل

### بین المللی

با توجه به نبود رویه قضایی دادگاه اسلامی، بررسی موضع کنفرانس در مورد دومین جنگ خلیج فارس دارای اهمیت است. هشتمین نشست سران کشورهای اسلامی در ۱۹۹۷ در تهران برگزار شد و قطعنامه شماره ۱۱/۸-P در مورد پیامدهای تجاوز عراق به کویت و لزوم اجرای همه قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی عراق را تصویب کرد. این قطعنامه حمله نظامی عراق را بر اساس بخش ۱ بند الف از ماده ۲ منشور سازمان که ناظر به اصل بنیادین همبستگی کشورهای اسلامی عضو است محکوم کرد. قطعنامه بر اهمیت اصول و اهداف مذکور در منشور سازمان تأکید کرد و از عراق خواست که به تعهداتش بر پایه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل عمل کند و همکاری کامل و ثمر بخشی با کمیته بین المللی صلیب سرخ به عمل آورد. همچنین بر پایه این سند عراق مسئول اجرای بخش ۱۶ قطعنامه ۶۸۶ شورای امنیت است که در سال ۱۹۹۱ بر اساس فصل هفتم منشور تصویب شد و بر پایه آن شورای امنیت سازمان ملل متحد صندوق جبران خسارت و کمیسیون غرامت را به وجود آورد. قطعنامه سازمان کنفرانس اسلامی در پایان تأکید کرد که همه سلاحهای ویژه کشتار جمعی باید نابود شود و نیز از تلاشهای سازمان ملل در فراهم آوردن کمکهای بشر دوستانه برای ملت عراق استقبال

○ سازمان کنفرانس اسلامی بزرگترین نهاد بین المللی اسلامی است که کشورهای نامتجانسی را با پیشینه‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی گوناگون در بر می گیرد. این سازمان از ۵۶ کشور عضو تشکیل یافته که بیشتر در آسیا و آفریقا واقع شده‌اند.

### ۳. دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی

ارگانهای سازمان کنفرانس اسلامی توانایی به‌دست دادن يك روش ویژه برای حل اختلافها را ندارند. منشور سازمان در بخش ۴ بند ب از ماده ۲ به حل و فصل دعاوی بین‌المللی اشاره دارد و به اعضا اجازهٔ توسل به روشها و ابزارهای حقوقی و دیپلماتیک مانند مذاکره، میانجیگری، داوری (حکمیّت) و آشتی را می‌دهد. جز این، منشور سازمان مکانیزم جامعی برای جلوگیری از افزایش درگیری میان کشورهای عضو ندارد. با وجود این، در آغاز دههٔ هشتاد، سازمان دیدگاه خود نسبت به این موضوع را یکسره عوض کرد و برپایی دادگاه بین‌المللی اسلامی را پیشنهاد کرد. باید توجه داشت که تأسیس دادگاه بین‌المللی اسلامی در فاصلهٔ جنگ اول خلیج فارس بین ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) و کمی پیش از هجوم عراق به کویت که به جنگ دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱ انجامید پیشنهاد شد؛ یعنی دو بر خوردی که کشورهای اسلامی را دچار اختلاف کرد. از يك سو، جنگ اول خلیج فارس می‌توانست نشان دهندهٔ نیاز مبرم به يك نظام قضایی برای حل مناقشات بین‌المللی باشد و از سوی دیگر، جنگ بر ضد کشوری که مقر دادگاه می‌بایست در آن باشد (کویت)، می‌توانست به سادگی نشان دهندهٔ نبود شالودهٔ واقعی همکاری برای به کار انداختن دیوان و شناسایی ارزشی آن باشد.

قطعنامهٔ شمارهٔ P/۱۱۳ سومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در ۱۹۸۱ در طائف، برپایی دادگاه اسلامی بعنوان چهارمین نهاد سازمان با مسئولیت حل و فصل صلح آمیز اختلافات کشورهای عضو را در نظر گرفت. در ژانویهٔ ۱۹۸۳ دبیر کل سازمان گروهی از کارشناسان را برای طراحی اساسنامهٔ دادگاه اسلامی تعیین کرد. نسخهٔ نهایی اساسنامه در ۲۹ ژانویهٔ ۱۹۷۸ مورد تأیید قرار گرفت. پنجمین نشست سران کشورهای اسلامی در همان سال در کویت برگزار شد و قطعنامهٔ شمارهٔ P/۱۳/۵ را در مورد برپایی دادگاه اسلامی تصویب کرد. در بخش‌هایی این قطعنامه، مطالب زیر مطرح شد:

○ در آینده‌ای نزدیک، چنانچه برپایی دادگاه اسلامی تحقق یابد، کشورهای اسلامی پوشش يك نظام قضایی یکسان، متحد خواهند شد. وجود چنین ارگانی که از قدرت ایجاد رویه قضایی مبتنی بر تفسیر در اجرای مقررات اسلامی برخوردار است سبب تقویت همبستگی و همکاری کشورهای مسلمان خواهد بود.

کنونی در زمینهٔ روابط بین‌الملل است. گذشته از این، قطعنامه مذکور به نیاز کشورهای در حال توسعه به حضور بیشتر در عرصهٔ بین‌المللی اشاره کرده و خواستار گسترش شورای امنیت سازمان ملل با توجه به توزیع جغرافیایی عادلانه و حاکمیت برابر کشورها است.

چنان که در پیشگفتار آمد، مسئلهٔ فلسطین و ارتباط با اسرائیل از مهمترین موضوعات برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی است. نهمین نشست سران کشورهای اسلامی از ۱۲ تا ۱۳ نوامبر ۲۰۰۰ در دوحه (قطر) در اوج آشوبها در سرزمینهای اشغالی فلسطین برگزار شد و تصمیم آن به دادن نام انتفاضهٔ الاقصی به اجلاس صلح و توسعه، بیانگر نگرانی ویژه کشورهای عضو سازمان نسبت به وضع ویژه در سرزمینهای اشغالی فلسطین در آن زمان بود. نشست مذکور قطعنامهٔ شمارهٔ P/۵/۹ را در مورد شرایط جاری روند صلح در خاورمیانه به تصویب رساند که خواهان همدردی با مردم فلسطین برای بازگشت، حق تعیین سرنوشت و تأسیس کشور مستقل فلسطین در سرزمینهای ملی خود به پایتختی قدس شریف است. این قطعنامه تعهد سازمان نسبت به روند صلح خاورمیانه را به اجرای همهٔ قطعنامه‌های مربوطهٔ شورای امنیت از سوی اسرائیل منوط می‌کند و حملهٔ نظامی اسرائیل به مردم فلسطین را محکوم و سیاست اسرائیل را مخالف روند صلح می‌داند. در پایان، قطعنامه از کشورهای عضو می‌خواهد که در روابط خود با اسرائیل تجدید نظر کنند و نسبت به بستن دفاتر نمایندگی اسرائیل و مراکز آن دولت اقدام و روابط تجاری با اسرائیل را تا زمانی که این کشور به همهٔ قطعنامه‌های سازمان ملل عمل نکند قطع کنند. در آینده‌ای نزدیک، چنانچه برپایی دادگاه اسلامی تحقق یابد، کشورهای اسلامی در پوشش يك نظام قضایی یکسان، متحد خواهند شد. وجود چنین ارگانی که از قدرت ایجاد رویه قضایی مبتنی بر تفسیر در اجرای مقررات اسلامی برخوردار است سبب تقویت همبستگی و همکاری کشورهای مسلمان خواهد بود و بر روابط خارجی کشورهای عربی اثر خواهد گذاشت.

برگزیده خواهد شد. در این زمینه جالب توجه است که برابر نظریه بیشتر [فقها]، در دادگاههای اسلامی تنها مردان می توانند بعنوان قاضی منصوب شوند. این شرط به روشنی در اساسنامه دادگاه اسلامی نیامده است.

شرایط شکلی برای گزینش قضات، در بخشهای گوناگونی از ماده ۵ آمده است. قضات در نشست ویژه کنفرانس وزیران امور خارجه بارای مخفی از فهرست نامزدان کشورهای عضو که از سوی دبیر کل آماده شده با اکثریت مطلق آراء برگزیده می شوند. بر پایه بند (ه) از ماده ۵، گزینش رئیس و قضات دیوان بر پایه مناطق جغرافیایی و زبانی کشورهای عضو صورت خواهد گرفت. برابر با ماده ۸ اساسنامه، اشتغال قضات به فعالیت سیاسی یا امور غیر قضایی ممنوع است و آنان نمی توانند در حل و فصل مواردی که در گذشته به آنان بعنوان عضو دادگاه بین المللی یا ملی عرضه شده است دخالت یا مشارکت کنند. بر پایه بند الف از ماده ۱۰، قضات دیوان از امتیازات و مصونیتهای شهروندان دولتهای عضو در کشورهای یکدیگر با هماهنگی سازمان آنگونه که در کنوانسیون امتیازات و مصونیتهای سال ۱۹۷۶ سازمان کنفرانس اسلامی مندرج است برخوردارند. همچنین، بند ب از ماده ۱۰، کنوانسیون دیگری را در زمینه مزایا و مصونیتها در هماهنگی با اصول بین المللی بین دبیر کل سازمان و کشوری که مقرر دادگاه در آن جا است پیش بینی کرده است. ماده ۱۵ امکان ایجاد شعب موقت برای حل و فصل امور فوری یا ویژه را برای دیوان در نظر می گیرد. ماده ۱۶ امکان تعیین يك قاضی موقت (ad hoc) را به هر طرف می دهد. این قضات موقت می توانند ملیت خود طرفهارا داشته باشند یا از میان اتباع کشورهای عضو سازمان برگزیده شوند.

#### ۳.۱.۲ صلاحیت

دادگاه اسلامی دارای دو صلاحیت توافقی و مشورتی است. در مورد صلاحیت توافقی، بند الف از ماده ۲۱ اساسنامه می گوید: تنها کشورهای عضو سازمان می توانند نزد دادگاه حاضر شوند. اما برابر بند ب از ماده ۲۱، کشوری که عضو س.ك.ا نیست می تواند نزد دادگاه اسلامی طرح شکایت کند ولی

الف) کنفرانس پیش نویس اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری اسلامی را بر پایه صلاحیت اختیاری به تصویب می رساند.

ب) کنفرانس همچنین بخش چهارمی (د) را به ماده ۳ منشور سازمان کنفرانس اسلامی به شکل زیر می افزاید: دیوان بین المللی دادگستری اسلامی، وظایف خود را بر پایه اساسنامه اش انجام می دهد که این اساسنامه ضمیمه این منشور بوده و بخش تکمیلی منشور محسوب می شود.

برابر ماده ۲ اساسنامه، مقرر دیوان شهر کویت خواهد بود. ماده ۴۹ اعلام می دارد که دادگاه زمانی تشکیل خواهد شد که کشورهای عضو با اکثریت لازم مندرج در ماده ۱۱ منشور سازمان که برای اصلاح منشور ضروری است، اساسنامه را تصویب کنند. برابر ماده ۱۱ رأی مثبت دو سوم کشورهای عضو برای اصلاح منشور مورد نیاز است. تاکنون تنها ۸ کشور عضو، اساسنامه دادگاه اسلامی را پذیرفته اند که عبارتند از: کویت، عربستان، اردن، هاشمی، لیبی، بحرین، قطر، مصر و مالدیو. با وجود این برای دایر شدن دیوان هنوز به ۳۴ سند تصویب نیاز است. نظر به اینکه س.ك.ا. ابرزترین سازمان بین المللی اسلامی است دیوان آن یکی از جامع ترین مراجع حل و فصل اختلافات بین المللی خواهد بود که بسیاری از دولتها با فرهنگها و پیشینه های اجتماعی گوناگون را دربر خواهد گرفت.

#### ۳.۱ ساختار دیوان

##### ۳.۱.۱ ترکیب

برابر بند الف از ماده ۳ اساسنامه، دادگاه اسلامی دارای هفت قاضی خواهد بود که برای چهار سال برگزیده می شوند و مأموریتشان تنها برای يك دوره دیگر می تواند تجدید شود. برابر ماده ۴ اساسنامه، احراز سمت قاضی در دیوان تنها در صورتی ممکن است که فرد، دارای شرایط زیر باشد: (۱) مسلمان باشد (۲) از اتباع دولتهای عضو سازمان باشد (۳) دارای ویژگیهای اخلاقی عالی باشد (۴) سن او کمتر از چهل سال نباشد (۵) آگاه به شریعت (حقوق اسلام) و حقوق بین الملل و دارای تجربه باشد و (۶) دارای شرایط احراز عالیترین مقام قضایی در کشورش باشد. رئیس دیوان از میان اعضای آن

#### ○ ارگانهای سازمان

کنفرانس اسلامی توانایی به دست دادن يك روش ویژه برای حل اختلافهارا ندارند. منشور سازمان در بخش ۴ بند ب از ماده ۲ به حل و فصل دعاوی بین المللی اشاره دارد و به اعضا اجازه توسل به روشها و ابزارهای حقوقی و دیپلماتیک مانند مذاکره، میانجیگری، داوری (حکمیّت) و آشتی را می دهد. جز این، منشور سازمان مکانیزم جامعی برای جلوگیری از افزایش درگیری میان کشورهای عضو ندارد.

باید نخست صلاحیت دیوان و قضاوت دادگاه را بعنوان آخرین راه حل بپذیرد.  
برابر با ماده ۲۵ اساسنامه، دادگاه صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را دارد:

الف) تمام اموری که اعضاء سازمان کنفرانس اسلامی نزد دادگاه ارائه کنند؛

ب) تمام اموری که بر پایه پیمان یا کنوانسیون در حال اجرا در صلاحیت دادگاه قرار داده شده است؛

پ) تفسیر هر پیمان یا کنوانسیون دو یا چند جانبه؛

ت) رسیدگی به هر موضوع مربوط به حقوق بین الملل؛

ث) شروع به رسیدگی مقدماتی در مورد هر موضوعی که نقض يك تعهد بین المللی محسوب شود، اگر دادگاه آن را روشن و آشکار بشناسد.

ج) تعیین ماهیت و میزان خسارت ناشی از نقض يك تعهد بین المللی.

در ماده ۲۶، اصل مهم صلاحیت اختیاری دیوان آمده است. پذیرش صلاحیت دیوان باید از راه اعلامیه مشخص شود. کشورهای مربوط باید تمایل خود به شناسایی صلاحیت دیوان به صورت اجباری برای حل و فصل قضایی اختلافها را اعلام کنند. این بیانیه تابع عمل متقابل نیست و باید به دبیر کل سازمان ارائه شود که او يك نسخه از آن را برای دیگر کشورهای عضو خواهد فرستاد.

صلاحیت مشورتی دیوان به روی دولتها باز نیست. ماده ۴۲ اساسنامه به روشنی اعلام می دارد که بر اساس تقاضای هر ارگان سازمان، به شرطی که آن تقاضا به تأیید کنفرانس وزیران خارجه برسد، دادگاه اسلامی صلاحیت صدور نظر مشورتی یا فتوا در مورد هر امر حقوقی را که بیشتر نزد دادگاه اسلامی مطرح نشده باشد، دارد.

### ۳. ۱. ۳ قضاوتها

با توجه به بند ج از ماده ۳۷ اساسنامه دیوان، رأی دادگاه با اکثریت ساده صادر می شود و بر اساس بخش (د) آراء باید دلیل و استدلال و نام قضات رأی دهنده را دربر داشته باشد. برابر ماده ۳۸ آراء تنها نسبت به طرفهای اختلاف الزام آور است و بر پایه ماده ۳۹ آراء صادره نهایی است و قابل

### ۳. ۱. ۴ مقررات دیگر

بر پایه ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه اسلامی به گونه دائم دایر است. برابر ماده ۳۰ رسیدگی به دعاوی دارای دو مرحله شفاهی و کتبی است. و سرانجام ماده ۳۳ قدرت اتخاذ اقدامات احتیاطی برای حفظ حقوق طرفهای اختلاف پیش از صدور رأی نهایی را به دادگاه اسلامی می دهد.

## ع. اساسنامه دیوان و ارجاع خاص آن

### به شریعت اسلامی

بر پایه ماده ۱ اساسنامه، دیوان رکن اصلی قضایی سازمان و لزوماً مبتنی بر شریعت اسلامی است. این تأکید در ماده ۲۷ اساسنامه در مورد قوانین قابل استناد از سوی دادگاه نیز مشاهده می شود. بر اساس این ماده:

الف) شریعت اسلامی قانون پایه و اساسی دادگاه بین المللی اسلامی است؛

ب) دیوان می تواند به حقوق بین الملل، کنوانسیونهای دوجانبه و چندجانبه، حقوق بین الملل عرفی، اصول کلی حقوق یا به آراء دادگاههای بین المللی استناد کند.

بخش ۱ ماده ۲۷، شریعت اسلامی را قانون بنیادین قابل اجرا از سوی دادگاه برای حل و فصل دعاوی بین المللی می داند. بنابراین بر ویژگی مذهبی دیوان بعنوان نهادی که از اصول مذهبی در این باره پیروی می کند تأکید شده است. شاید برای نخستین بار در حقوق بین الملل يك دیوان اختصاصی، نظام مذهبی محلی را همچون قانون قابل اجرا و اولیه برای حل و فصل صلح آمیز اختلافهای دولتی دولتها در نظر می گیرد. بخش ۲ ماده ۲۷ بعنوان منابع دیگر، از حقوق بین الملل، قرار دادهای بین المللی، اصول کلی حقوق و آراء صادر شده از سوی محاکم دیگر نام می برد. لیکن همین پاراگراف می گوید که «دادگاه به این منابع نیز استناد خواهد کرد»، و باید به این عبارت گسترده توجه کرد. این مقررّه ماهیت حقوقی نیرومندی

○ تأسیس دادگاه بین المللی اسلامی در فاصله جنگ اوّل خلیج فارس بین ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) و کمی پیش از هجوم عراق به کویت که به جنگ دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱ انجامید پیشنهاد شد؛ یعنی دو پر خوردی که کشورهای اسلامی را دچار اختلاف کرد.

ندارد و این منابع را بعنوان منابع فرعی در نظر می‌گیرد و از این دسته از منابع تا زمانی بهره‌گیری می‌شود که ضابطه و قاعده مشخصی در شریعت وجود نداشته باشد.

#### ۱. ۴ نگاه کلی به شریعت اسلامی

شریعت اسلامی نظام حقوقی کاملی است که حاکم بر هر موضوع مربوط به حقوق، ایمان و در کل هر جنبه‌ای از زندگی یک مسلمان است. شریعت نه تنها آموزشهای مذهبی ارائه می‌کند بلکه همه فعالیت‌های معتقدان خود را قانونمند می‌سازد. شریعت زمینه‌های بسیاری از اقتصاد و سازمان خانواده تا حقوق بین‌الملل را دربر گرفته است.

منابع شریعت اسلامی می‌تواند به دو دسته بخش شود: دسته اول، از منابع اصلی و مهم یعنی قرآن [کریم] و سنت [پیامبر ص] تشکیل شده است. قرآن یا کتاب خدا نخستین منبع حقوق اسلام است که برای همه مسلمانان الزام‌آور است. قرآن در اسلام کتاب مقدس است که در یک دوره ۲۳ ساله به گونه متنوب و در پی رویدادهای خاصی در جامعه اسلامی، بر پیامبر نازل شده است. هنجارهای اخلاقی و حقوقی قرآن بر دیگر جنبه‌های جامعه اسلامی مقدم است... فشرده سخن آنکه سخنان پیامبر [ص] اراده خداوند را می‌تاباند. سنت را نمونه یا الگوی رفتاری پیامبر تعریف کرده‌اند. سنت، قرآن عملی و دومین منبع مهم حقوق اسلامی است. سنت برای روشن کردن آیات قرآن یا برداشتهایش به کار می‌آید زیرا گفتار و رفتار پیامبر از سوی اطرافیان شنیده یا گواهی شده است.

دسته دوم منابع، منابع کمکی یعنی اجماع و قیاس است. اجماع یا اتفاق آراء سومین منبع شریعت پس از قرآن و سنت قرار دارد و نخستین منبع کمکی است. اجماع، توافق نسبت به یک نکته حقوقی است که برای متخصصان مذهبی پیشین و در زمان خاصی کاربرد داشته است. فقهای مسلمان همیشه برای توجیه و تصدیق اجماع به آیات قرآنی مشخص متوسل شده‌اند و گفته‌اند که اجماع عقاید باید از سوی مسلمانان رعایت شود. برابر با نظر بیشتر فقها، اجماع ممکن است با بیان آشکار و

روشن به دست آمده باشد یا با سکوت و مخالفت نکردن. اجماع کمک زیادی به گسترش حقوق اسلامی کرده و سبب ایجاد معیارهای معتبری در همه مواردی که در قرآن یا سنت دیده نمی‌شود شده است. قیاس یا استدلال منطقی چهارمین منبع شریعت است. ممکن است رأی دادگاه محدود باشد و نتوان آن را فراتر از مورد خاص گسترش داد، با این حال شاید انگیزه نهفته در آن را بتوان در شرایط مشابه به کار گرفت. در صورت نبود حکمی به صورت وحی، می‌توان از راه قیاس با وضع مشابه در قرآن یا سنت، حکم تازه‌ای استخراج کرد. فقها به کمک قیاس در مواردی که در منابع نخستین به روشنی حکمی بیان نشده است می‌توانند رأی صادر کنند.

کاربرد منابع حقوق اسلام به قضاوت در هر مورد، بستگی زیاد دارد. هدف اصلی و مهم چنین نظامی دستیابی به عدالت از هر راه ممکن است. واژه شریعت به معنی راه است و فقیه باید بتواند راهی را که به عدالت می‌رسد، بشناسد.

#### ۲. ۴ حقوق بین‌الملل اسلامی

چنان که گفته شد، شریعت ویژگی جهانی دارد و اصول آن حاکم بر حقوق بین‌الملل اسلامی است که روابط خارجی اسلامی را با توجه به منابع و مشروعیت دربرمی‌گیرد. با در نظر گرفتن نقش مهمی که سیاست خارجی اسلامی همواره بازی کرده است، ذکر مقدمه‌ای در مورد جنبه‌های اصلی حقوق بین‌الملل اسلامی سودمند به نظر می‌رسد. روابط خارجی در اسلام از قدیم «سیر» (Siyar) نامیده می‌شود. سیر به معنی عملکرد دولت است که روابط کشورهای اسلامی و غیر اسلامی و نیز روابط با جوامع غیر مسلمان در درون مرزهای کشورهای اسلامی را قانونمند می‌سازد. پس «خارجی» از نظر اعتقادی و نه صرفاً در رابطه با قلمرو سرزمینی به کار رفته است. روابط بین خود کشورهای اسلامی در چارچوب «سیر» قرار نمی‌گیرد بلکه از سوی جوامع اسلامی یا امت مشخص می‌شود. منابع و مآخذ حقوق بین‌الملل اسلامی را بیشتر می‌توان در طول زندگی پیامبر (ص) و در زمینه روابط مسلمانان و دیگران یافت. نخستین گونه روابط بین‌الملل را می‌توان در

○ نظام حقوقی بین‌المللی ساختاری سلسله‌مراتبی یا عمودی ندارد و یک نهاد مرکزی قضایی در رأس آن نیست. از این نظر هنوز به دیوان بین‌المللی دادگستری سازمان ملل متحد، که عالی‌ترین مرجع در زمینه حقوق بین‌الملل عمومی است، قدرت تجدید نظر در رژیمهای خاص دیگر دادگاههای بین‌المللی داده نشده است.

دولت-شهر مدینه که بوسیله پیامبر (ص) در سال ۶۲۲ م پایه گذاری شد، مشاهده کرد. به نظر می رسد که حضرت محمد (ص) بعنوان رئیس دولت با دوستان عهدنامه‌ها بسته و با قبایل عرب نامسلمان مدارا کرده و این به منظور کمک متقابل و حفظ بی طرفی بوده است. در این زمینه، پیمان حدیبیه که بوسیله پیامبر بین دولت-شهر مدینه و اهالی مکه بسته شد می تواند بعنوان یک نمونه رسمی شناسایی دولت-شهر مدینه مورد توجه قرار گیرد که بر پایه آن برخی قواعد عرفی رفتار بشر دوستانه ایجاد شد و پاره‌ای توافقها برای برقراری روابط صلح آمیز با بیگانگان صورت گرفت.

ارزیابی اینکه آیا با توجه به شرایط امروزی عنصر مادی (عملکرد دولت) و عنصر روانی عرف، حقوق عرفی بنیان و پایه روابط بین الملل اسلامی با کشورهای غیر اسلامی بوده است، در واقع امکان پذیر نیست. با وجود این، می توان گفت که بطور کلی دولتهای اسلامی در سده‌های پیاپی با برقراری روابط دیپلماتیک و تماسهای تجاری گسترده با دیگر دولتها سبب پیدایش و گسترش مجموعه‌ای از قواعد عرفی منطقه‌ای و اسلامی شده‌اند. این هنجار داخلی که دولتهای اسلامی آنرا در اجرای روابط خارجی شان به کار گرفته‌اند، به صورت یک سیاست گسترده عرفی در آمده و بعنوان روشی یکنواخت و پیوسته از سوی دولتهای مورد نظر رعایت شده و جنبه الزام آور یافته است. پیمان ۱۸۵۶ پاریس که به جنگهای کریمه پایان بخشید نشانه به رسمیت شناخته شدن یک هنجار مسلم در روابط خارجی اسلامی است. منابع «سیر» یا حقوق بین الملل اسلامی را باید در اصول بنیادین حقوق اسلامی بویژه قرآن و سنت که دو منبع نخستین شریعت است یافت. همچنین منابع اصلی «سیر» شامل قواعد ویژه‌ای است که بطور مستقیم به روابط خارجی اسلامی مربوط می شود. گذشته از این، منبع دیگر «سیر»، رویه چهار خلیفه نخست اسلام یعنی خلفای راشدین است که جانشین پیامبر شدند. دیگر منابع فرعی حقوق بین الملل اسلامی عبارت است از: پیمانها و قراردادهای

حکام مسلمان با غیر مسلمانان، دستورهای رسمی خلفا به فرماندهان در میدانها و دیگر مقامات رسمی، نوشته‌های فقهای برجسته اسلامی، قوانین داخلی کشورهای مسلمان که امور مربوط به «سیر» را قانونمند می کنند و اعلامیه‌های یکجانبه کشورهای مسلمان در زمینه «سیر» و مهمتر از آن، عرف و رسم «سیر» به موضوعات کمابیش زیادی می پردازد که مهمترین آنها عبارت است از: اوضاع ناشی از جنگ، رفتار با اسیران و زخمیان، نظریه جهاد، عهدنامه‌های بین المللی، اصل وفای به عهد، عهدنامه‌های صلح و رفتار سالم. همه این امور یکسره ویژگی بین المللی دارند.

در بحث از حقوق بین الملل اسلامی، لازم است که تئوری جهاد یا جنگ مقدس را، هر چند به گونه خیلی کلی، بویژه با توجه به ممنوعیت کاربرد زور در حقوق بین الملل شرح دهیم. روابط خارجی در اسلام همواره بر پایه آموزه‌ای ناظر به وجود حالت دایمی جنگ بین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی بوده است. ولی نظر اخیر کشورهای اسلامی نشان می دهد که اصول روابط خارجی اسلام متفاوت است و بیشتر اوقات پندارهای نادرستی درباره آنها وجود داشته است. از آغاز جامعه اسلامی، فقهای برجسته اسلام، جهان را به دو بخش کرده‌اند: (۱) دارالاسلام یا قلمرو سرزمینهای اسلامی و جوامع غیر اسلامی زیر حاکمیت اسلام و (۲) دارالحرب یا بقیه جهان که قلمرو جنگ هم شمرده می شود. هدف اسلام این است که دارالحرب را زیر کنترل جامعه اسلامی در آورد. فقهای پیرو شکل کلاسیک این آموزه از مبارزه همیشگی به منظور تحمیل برتری اسلام بر سرزمینهای غیر اسلامی پشتیبانی کردند. در مجموع روحانیون تا نیمه‌های سده نوزدهم هواخواه نظریه کلاسیک جهاد بودند. ولی از زبان قرآن و بازخوانی دیگر منابع، چنین چیزی بر نمی آید و شیوه خود پیامبر (ص) نیز گواه آن است که پایه روابط خارجی اسلام تنها جهاد نبوده است. با سستی گرفتن تدریجی مفهوم یک دولت جهانی، شیوه رفتار کشورهای اسلامی در برابر کشورهای غیر اسلامی نیز دستخوش دگرگونی

○ کار تصویب اساسنامه دادگاه اسلامی از سوی کشورهای هنوز در جریان است. شاید طرح تأسیس دیوان به سبب شرایط سیاسی ناشی از جنگ سرد دچار تأخیر شده باشد اما حتی پس از پایان جنگ سرد نیز فعالیت مهمی برای ایجاد آن صورت نگرفته است.



است. نبود يك ديوان عالی بین‌المللی ناشی از نبود ارادهٔ کشورها برای برپا کردن چنین نهادی است. در برابر، کشورها تمایل خود را به تأسیس تشکیلات و سازمانهای بین‌المللی جدید یا دیگر مراکز قضایی برای مشخص کردن مورد به مورد محتوای قانون لازم‌الاجرا نسبت به خود نشان داده‌اند. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها (ITLOS)، هیاتهای حل اختلاف سازمان جهانی بازرگانی (WTO)، پیمان انجمن تجارت آزاد آتلانتیک شمالی (NAFTA)، دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) و بسیاری دیگر از دادگاههای موقت در زمینه حقوق بشر نشان دهندهٔ تعدد زیاد مراجع کنونی حل و فصل اختلافات بین‌المللی هستند. دیوان بین‌المللی دادگستری اسلامی نیز در این گروه جای می‌گیرد. همچنین، این امر نشان دهندهٔ ارادهٔ گروهی از کشورها است که می‌خواهند از يك نظام ویژهٔ قضایی پیروی کنند که چارچوبی جایگزین برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی شمرده می‌شود. تفسیر و اعمال هنجارهای قابل اجرا در مورد دیوان شاید سبب همبستگی کشورهای اسلامی شود که در سراسر جهان پراکنده‌اند و راه همکاری و همبستگی آینده را پیمایند. در مورد دادگاه اسلامی، در نهمین نشست سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در دوحه، قطعنامهٔ شمارهٔ P. ۵۹/۹ در مورد دیوان پذیرفته و تسریع در روند تأسیس دیوان خواسته شد و از دولت‌های عضو که اساسنامهٔ دادگاه اسلامی را تصویب کرده بودند تقدیر شد. این قطعنامه همچنین از اعضای که تاکنون اساسنامه را تصویب نکرده‌اند خواست که روند تصویب را سرعت دهند. کار تصویب اساسنامهٔ دادگاه اسلامی از سوی کشورها هنوز در جریان است. شاید طرح تأسیس دیوان به سبب شرایط سیاسی ناشی از جنگ سرد دچار تأخیر شده باشد اما حتی پس از پایان جنگ سرد نیز فعالیت مهمی برای ایجاد آن صورت نگرفته است. چنین به نظر می‌رسد که اندک بودن اسناد تصویب، نشانگر ضعف ارادهٔ واقعی کشورهای عضو برای تکمیل روند ضروری ایجاد دادگاه اسلامی باشد.

پس از سدهٔ دهم، قلمرو اسلام دیگر نتوانست گسترش یابد و نظام نامتمرکز جدید، مفهوم دیگری از روابط خارجی اسلام را پیش آورد و اعتبار تئوری کلاسیک جهاد از سوی فقهای معاصر متزلزل شد و تفسیر تازه‌ای از این آموزه گسترش یافت که امروزه هنوز مورد بحث است. به فرمودهٔ برخی از آیات قرآن کریم در سورهٔ ۱۱، در برابر يك کار نادرست یا تجاوز به مسلمانان می‌توان به جهاد مقدس مبارزت ورزید، نه برای منفعت مادی یا قدرت بلکه برای اعمال حق دفاع مشروع. نهی شدن اجبار در مذهب از سوی اسلام، بدان معنی است جهاد ابزاری برای تحمیل عقیده بر غیر مسلمانان نیست.

فشردهٔ سخن این است که حقوق بین‌الملل اسلام دارای سه ویژگی است که آن را متمایز می‌سازد: نخست آنکه این حقوق ماهیت یگانه دارد. بیش از هر چیز، اسلام در هر زمینه‌ای به شریعت بعنوان منبعی دربرگیرندهٔ هنجارهای معتبر می‌نگرد. بنابراین جهانی بودن حقوق همچنین در روابط بین حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل بازتاب یافته است. دوم آنکه «سیر» شاخه‌ای از شریعت است. قوانین مربوط به روابط خارجی اسلام ناشی از حقوق اسلام است و «سیر» ماهیت الزام آور نسبت به تمام جامعهٔ اسلامی دارد. سوم آنکه فلسفهٔ اسلام امکان برقراری روابط خارجی با جوامع غیر اسلامی را بر پایهٔ صلح مشخص می‌کند و صلح شکل عادی روابط بین‌الملل اسلام است در حالی که جهاد ابزاری تدافعی است نه تهاجمی.

## ۵. ملاحظات پایانی در مورد دیوان

### بین‌المللی دادگستری اسلامی

نظام حقوقی بین‌المللی ساختاری سلسله‌مراتبی یا عمودی ندارد و يك نهاد مرکزی قضایی در رأس آن نیست. از این نظر هنوز به دیوان بین‌المللی دادگستری سازمان ملل متحد، که عالی‌ترین مرجع در زمینهٔ حقوق بین‌الملل عمومی است، قدرت تجدید نظر در رژیمهای خاص دیگر دادگاههای بین‌المللی داده نشده

○ نقطهٔ ضعف سازمان کنفرانس اسلامی، اختلافهای فرهنگی، اقتصادی و تجارب سیاسی کشورهای عضو آن است و اسلام تنها ابزار همبستگی و پیوند میان آنهاست. از این گذشته و مهمتر از همه، از دیدگاه نهادی، سازمان با وجود شمار فراوان اعضا و برخورداری آنها از شرایط مناسب استراتژیک در دریاهای بین‌المللی و مسیرهای هوایی چنان که باید و شاید از نیروی کافی برخوردار نیست.

سازمان از سناریوی تغییر جنگ سرد به حالت عادی روابط سیاسی، سالم بیرون آمده است. نویسنده معتقد است که برپایی دادگاه اسلامی متکی بر اراده کشورهای عضو، کارآیی سازمان و چارچوب داخلی آن را افزایش خواهد داد. چنین روندی باید زمینه استقلال کامل نظام قضایی مورد نظر سازمان را فراهم کند و سرانجام نقش سازمان در جامعه بین المللی را افزایش دهد.

### یادداشت‌ها

۱. اصل این مقاله با عنوان The International Islamic Court of Justice: Towards an International Islamic Legal System? در شماره ۱۴ مجله حقوق بین الملل لندن، سال ۲۰۰۱، صفحات ۶۶۵-۶۸۰ به چاپ رسیده است.
2. Organisation of the Islamic Conference.
3. International Islamic Court of Justice.
4. Islamic Conference of Foreign Ministers.

نقطه ضعف سازمان کنفرانس اسلامی، اختلافات فرهنگی، اقتصادی و تجارب سیاسی کشورهای عضو آن است و اسلام تنها ابزار همبستگی و پیوند میان آنها است. از این گذشته و مهمتر از همه، از دیدگاه نهادی، سازمان با وجود شمار فراوان اعضا و برخورداری آنها از شرایط مناسب استراتژیک در دریاهاى بین المللی و مسیرهای هوایی چنان که باید و شاید از نیروی کافی برخوردار نیست. سازمان رکنی اجرایی مانند شورای امنیت سازمان ملل ندارد و هر چند تشکیل چنین نهادی در ششمین نشست سران در ۱۹۹۱ در داکا و نیز در هفتمین نشست در کازابلانکا در سال ۱۹۹۴ پیشنهاد شد، ولی هنوز پیشرفتی اساسی در این زمینه صورت نگرفته است. با وجود همه موانع در خلال تقریباً سی سال عمر سازمان، آرمان همبستگی اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها پیشرفت زیادی داشته است و

